

The Jurisprudential-legal Study of Article 171 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran with the Laws of England and the United States of America

Yasaman Saeidi / Assistant Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, Iran, Tehran, Islamic Azad University, Central Tehran Branch
ya3mansaeidi@yahoo.com

 **Ebrahim Yaghouti** / Associate Professor, the Department of Theology and Islamic Studies, Iran, Tehran, Islamic Azad University, Central Tehran Branch
yaghouti2010@yahoo.com

Received: 2022/04/03 - **Accepted:** 2023/08/31

Abstract

In Islamic law and consequently in Iranian codified law, judges will be held civilly liable if they commit negligence or unusual negligence in handling a case. However, in the event of a mistake or omission in issuing a ruling, they will be responsible for compensating the public treasury, and in any case, the defendant will be reinstated. Using a descriptive-analytical and library method, this research examines the similarities and differences between the Imamiyya school of jurisprudence and the common law system. In this context, we will seek to answer the question: Who will be responsible for compensating the victims in the event of negligence or fault of the judge in the common law system? The findings of the research indicate that the legislator of the Islamic Republic of Iran has foreseen the civil liability of judges in case of error and fault in Article 171 of the Constitution, while the common law legal system, based on case studies in the United Kingdom and the United States, has exempted judges of the Supreme Courts from paying damages in order to have immunity, but judges of the lower courts are liable and are guarantors of compensation due to their limited jurisdiction. The United States of America, believing in the principle of "exercise of sovereignty" derived from the federal system, has exempted itself from compensation in the event of error or fault, and judges in subsequent courts have found a solution to potential problems by insuring themselves up to a certain limit.

Keywords: fault, judges, civil liability, Islamic law, common law.

نوع مقاله: ترویجی

بررسی فقهی - حقوقی اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با حقوق انگلیس و ایالات متحده امریکا

ya3mansaeidi@yahoo.com

yaghouti2010@yahoo.com

یاسمن سعیدی / استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

ابراهیم یاقوتی  / دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴

چکیده

قضات در حقوق اسلام و به تبع آن در حقوق مدون ایران اگر مرتکب تقصیر یا بی‌مبالاتی غیرمتعارف در رسیدگی به دعا شوند، مسئولیت مدنی خواهند داشت، اما در صورت اشتباه و قصور در صدور حکم، مسئول جبران خسارت بیت‌المال خواهد بود و درهرحال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد. هدف از پژوهش حاضر که به صورت توصیفی - تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته، روشن شدن نقاط اشتراک و افتراق پیرامون مکتب فقه امامیه با نظام کامن لا می‌باشد. در این زمینه به دنبال پاسخ به این پرسش خواهیم بود که مسئول جبران خسارت واردشده بر متضررین در صورت قصور و یا تقصیر قاضی در نظام کامن لا چه کسی خواهد بود؟ یافته‌های پژوهش حاکی از این است که قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران مسئولیت مدنی قضات را در صورت اشتباه و تقصیر در اصل ۱۷۱ قانون اساسی پیش‌بینی کرده است، درحالی‌که نظام حقوقی کامن لا با مطالعه موردی در کشورهای انگلیس و امریکا، قضات دادگاه‌های عالی را به جهت داشتن مصونیت، از پرداخت خسارت معاف کرده است، ولی قضات دادگاه‌های تالی به دلیل محدود بودن صلاحیت رسیدگی دارای مسئولیت بوده و ضامن جبران خسارت می‌باشند. ایالات متحده امریکا نیز با اعتقاد بر اصل «اعمال حاکمیت» برگرفته از نظام فدرالی، خود را از جبران خسارت در صورت اشتباه یا تقصیر معاف کرده که قضات دادگاه‌های تالی با بیمه کردن خود تا سقف مشخص راه‌حلی برای مشکلات احتمالی یافتند.

کلیدواژه‌ها: تقصیر، قضات، مسئولیت مدنی، حقوق اسلامی، حقوق کامن لا.

مقدمه

در نظام جمهوری اسلامی ایران، رعایت اصل مسئولیت‌پذیری شامل تمام مقامات حکومتی می‌شود و هیچ مقامی از این امر مستثنا نیست، اما حساسیت امر قضا به‌عنوان یکی از مناصب مهم در اجرا و بسط عدالت و نظم عمومی جامعه اقتضا می‌کند، نه تنها قاضی نسبت به اعمال خود مسئولیت نداشته باشد، بلکه مصون از تعقیب نیز باشد که به استقلال او لطمه‌ای وارد نگردد؛ زیرا در غیر این صورت قاضی باید نیمی از عمر خود را در صدور حکم و نیمی دیگر را در دفاع از خود سپری کند. بدیهی خواهد بود که مصونیت مطلق نیز جایز نیست؛ زیرا منجر به اهمال در وظیفه می‌گردد و مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی، در صورت تقصیر و اشتباه قاضی، اگر ضرر مادی یا معنوی به کسی وارد گردد، این ضرر می‌بایست جبران شود. به دلیل اهمیت جایگاه امر قضا پیش‌تر آثاری از پژوهشگران در خصوص مسئولیت قضا نگارش یافته است، از جمله آنان می‌توان به مقاله‌های «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی قاضی» (رضاوندی و نجفی، ۱۳۹۶)، و مقاله «مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، آمریکا و ایران» (داورنیا، ۱۳۸۵) اشاره کرد.

اما می‌توان گفت جنبه نوآوری پژوهش حاضر نسبت به آثار پیشین در این می‌باشد که هیچ‌یک از پژوهش‌های قبلی به صورت تطبیقی در فقه امامیه و نظام حقوقی کامن لا با نگاه موردی بر دو کشور انگلیس و آمریکا نبوده است. برای یافتن پاسخ، ابتدا باید ادله و قواعد فقهی مسئولیت مدنی قاضی در فقه و حقوق موضوعه ایران روشن گردد، سپس به دیدگاه مصونیت مطلق قضا در انگلستان و سیر تحولی آن در ایالات متحده آمریکا پرداخته شود.

با مذاقه تطبیقی نظام حقوقی کامن لا روشن گردید، در انگلستان برخورداری از مصونیت مطلق را فقط زبینه قضا دادگاه‌های عالی که اشتغال به امر قضا دارند، می‌دانند. حتی اگر آنان سوءنیت و عمد در تصمیم قضایی در حوزه صلاحیت شغلی خود داشته باشند، در حالی که قضا دادگاه‌های تالی تا زمانی که در حیطه صلاحیت قضایی خود اقدام کرده باشند مسئول شناخته نمی‌شوند. فقط در صورتی که خارج از صلاحیت قضایی خود عمل کنند مسئولیت مدنی خواهند داشت. اما در ایالات متحده آمریکا برگرفته از نظام فدرالی خود پیش‌بینی‌هایی در قانون برای جبران خسارت

۱. مسئولیت مدنی قاضی در فقه امامیه

واژه مسئولیت از «سئل» مشتق شده، به این معنا که شخص نسبت به فعل و کار انجام‌شده مورد سؤال واقع شود. حکمت مورد بازخواست قرار گرفتن اعمال انسان‌ها در قرآن کریم در آیات ۱ انفال و ۵۶ نحل و ۳۴ اسراء، مبین این است که در قبال تعرض نسبت به جسم و جان، مال و حیثیت دیگران باید پاسخگو بود. اهمیت این امر اقتضا می‌کند ادله و قواعد فقهی مسئولیت قاضی مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. ادله فقهی مسئولیت مدنی قاضی

روایات فراوانی وجود دارد که می‌توان مسئولیت مدنی را به‌طور عام و مسئولیت مدنی قاضی را به صورت خاص استنباط کرد، از جمله این منابع معتبر ادله و قواعد فقهی و نظرات فقها می‌باشد که به این مهم پرداخته خواهد شد.

۱-۱-۱. سنت

روایاتی از ائمه اطهار علیهم‌السلام در خصوص ضمان و مسئولیت قاضی نقل شده که در این بخش به دو روایت معروف در این باب پرداخته می‌شود. ۱. روایت معتبر ابی‌مریم از امام باقر علیه‌السلام که در آن امام علیه‌السلام فرموده بود: «حضرت علی علیه‌السلام چنین حکم کردند که مسئولیت قتل یا جراحتی که ناشی از خطای قاضی باشد، بر عهده بیت‌المال است» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۳۵۴). این روایت صراحت در مسئولیت قاضی ندارد، بلکه دولت را مسئول می‌شناسد. در خصوص اشتباه قاضی با توجه به این روایت می‌توان قاعده «من له الغنم فعليه الغرم» را جاری کرد و از آن نتیجه گرفت که مسئولیت بر عهده دولت می‌باشد (بروجردی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۹)، اما زمانی جبران خسارت

بر عهده بیت‌المال خواهد بود که اشتباه خطایی باشد؛ یعنی تمام موارد خطا، غیر از حالت تعمد را شامل می‌شود؛ زیرا در صورت تقصیر قاضی مسئولیت شخصی دارد (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷ق، ج ۳، ص ۴۴).

۲. عهدنامه امام علی^{علیه السلام} به مالک اشتر: در این عهدنامه آمده است اگر به قتل خطا مبتلا گشتی و شمشیر و تازیانه و دستت به ناروا کسی را کیفر داد، مبدا غرور و زمامداری مانع از آن شود که حق اولیای مقتول را بپردازی و رضایت آنها را جلب کنی (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، نامه ۵۳).

در نتیجه می‌توان بیان داشت جبران خسارت و زانی که از اشتباه قضات نشئت بگیرد، در صورتی که سوءنیت در آن وجود نداشته باشد، مسئول جبران خسارت دولت می‌باشد، نه شخص قاضی.

۲. قاعده اتلاف

یکی دیگر از قواعد اساسی در مسئولیت مدنی، قاعده اتلاف است و منظور این است که هر گاه کسی مال دیگری یا منافع مترتب بر آن را بدون اذن صاحبش تلف نماید، در برابر صاحب آن ضامن و مسئول خواهد بود (محمدی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۳). قاعده اتلاف از دیرباز در کانون توجه فقها و حقوق‌دانان بوده و در موارد عدیده‌ای اتلاف را موجب ضامن بودن شخص دانسته‌اند. به‌طور مثال از این قاعده برای اثبات مسئولیت در تلفات جانی و جراحات و مسئولیت طبیب، حجام، ختان، بيطار و مانند آن استفاده کرده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۳۷). این قاعده از جمله معروف «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» گرفته شده است. البته عین این عبارت در کتب احادیث وجود ندارد، ولیکن از شهرت زیادی برخوردار بوده و در بسیاری از نصوص کلماتی که حاکی از مضمون این جمله باشد، وجود دارد که مهم‌ترین و معروف‌ترین آن عبارت است از: «علی الید ما اخذت حتی تودی»، البته برای استفاده از این قاعده فقها به آیاتی از قرآن کریم نیز استناد کرده‌اند، از جمله آیه شریفه «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ» (بقره: ۱۹۴)؛ هر کس به شما تجاوز کرد، همانند او بر او تعدی کنید. شیخ طوسی این آیه را به‌عنوان یکی از مستندات قاعده اتلاف برشمرده‌اند و آیه شریفه ۴۰ شوری که می‌فرماید: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا» از اطلاق این آیه استفاده می‌شود که جزای تعدی و اتلاف مواخذه و ضمان است. البته شیخ انصاری در مکاسب بیان می‌دارد که این آیه اخص از مدعاست؛ زیرا سیاق آن درباره اعمال عمدی است و شامل خطا و نسیان

۱-۲. قواعد فقهی مرتبط با مسئولیت مدنی قاضی

برخی از قواعد فقهی چه برای قاضی و چه برای دولت، به این سؤال که چرا واردکننده زیان باید خسارت را جبران کند، پاسخ می‌دهند. این نوشتار در ادامه برخی از قواعد حاکم را بیان می‌کند.

۱. قاعده لاضرر

قاعده «لاضرر و لاضرر فی الاسلام»، از مهم‌ترین قواعد فقهی و از مبانی مسئولیت مدنی شناخته می‌شود (بجنوردی، ۱۳۷۱ق، ص ۴۹۲). به این معنا که نباید شخصی به دیگری ضرری وارد کند که در اثر آن حقی از او زائل شود (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷ق، ج ۳، ص ۸۱). درباره مفهوم ضرر برخی آن را ضد نفع (ابن‌منظور، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۵۸) و برخی دیگر، عدم نفع و گروهی نقض در حق (طریحی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۳۴) تفسیر نموده‌اند. اما براساس قاعده لاضرر پرسشی به وجود می‌آید که آیا می‌توان حکم به مسئولیت مدنی قضات داد و یا اینکه این قاعده فقط در مقام نفی حکم بوده و جنبه اثباتی ندارد؟ فقهایی که مفاد قاعده را به «نفی ضرر» یا «نهی اضرار به غیر» تفسیر نکرده‌اند. از این رو این قاعده برای اثبات مسئولیت مدنی استفاده می‌کنند، ولیکن طرف‌داران این نظریه که حکم ضرری چه به‌طور مستقیم و چه از طریق نفی موضوع، منتفی بوده و قاعده لاضرر را حکم اثباتی نمی‌دانند که برای اثبات ضمان قهری کافی نمی‌بینند و چون نوعی بدعت است، لازمه‌اش این است که هر خسارتی از بیت‌المال یا از مال اغنیاء تدارک گردد. با این وجود تدارک ضرر

نمی‌شود (انصاری، ۱۳۸۲ق، ص ۵۷۸). فقها قاعده اتلاف را در مورد اتلاف ابدان و اموال هر دو به کار برده‌اند. همچنین فقها اتلاف را در دو بخش (اتلاف بالمباشرة)، یعنی تلف کردن مستقیم و بی‌واسطه و (اتلاف بالتسبیب)، یعنی تلف کردن با واسطه و سبب مطرح نموده‌اند (ابوالحمد، ۱۳۵۳، ص ۴۶).

۳. قاعده علی الید

یکی دیگر از قواعد فقهی در باب ضمان قهری، قاعده علی الید می‌باشد که از عبارت «علی الید ما اخذت حتی تودی» برگرفته شده است. به موجب این قاعده هر کس (چه قاضی و چه غیر) بر مال دیگری استیلا یابد، ضامن نقص و تلف آن خواهد بود و این مسئولیت هم شامل حکم تکلیفی و هم دربرگیرنده حکم وضعی است. براساس این قاعده باید گفت قاضی به دلیل قضاوت خود امکان دارد که تصمیم خطایی اتخاذ کند و مرتکب ضمان یدی شود که او ضامن نقص و تلف مال است، اما در این صورت باز هم بیت‌المال باید این خسارت را برای طرف مقابل جبران نماید (رستمی و بهادری جهرمی، ۱۳۸۸، ص ۹۸).

به قتل و قطع عضو باشد و شخص قاضی هم هیچ‌گونه تقصیری در صدور حکم نداشته باشد، در این صورت قطعاً قصاص بر عهده قاضی نیست و دیه مقتول به استناد خبر اصبح بن نباته از بیت‌المال پرداخت خواهد شد. حال اگر شخص محکوم‌له می‌دانسته که دعوای او نادرست است، در این صورت قصاص بر عهده اوست و اگر دعوای مالی باشد و مال در دست محکوم‌له است، از او اخذ می‌شود، ولی اگر مال تلف شده باشد و او هم به فساد دعوای خود آگاه بوده باشد، در این صورت او سبب اتلاف مال محکوم‌علیه بوده و ضامن است. ولی اگر او عالم به فساد نباشد، در این صورت برخی معتقدند که از بیت‌المال پرداخت می‌شود که طبق خبر اصبح بن نباته این نظریه غلط است؛ چون روایت ناظر به موارد خطا در خون و قطع عضو می‌باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۸).

۲. مسئولیت مدنی قاضی در حقوق موضوعه ایران

مسئولیت مدنی قاضی عنوان حقوقی برای جبران خسارت متضررین توسط دولت و شخص قاضی می‌باشد که با شناخت منابع قانونی و مبانی آن، می‌توان به بهترین حالت ممکن این مهم را تبیین کرد.

۱-۲. منابع قانونی مسئولیت مدنی قاضی

با بررسی قوانین و مقررات موجود در حقوق موضوعه ایران، می‌توان پی برد که تا قبل از انقلاب اسلامی ایران از لحاظ قانونی، نص صریحی که بر مسئولیت مدنی قضات در برابر خسارات وارده به یکی از اصحاب دعوا که ناشی از تصمیمات قضایی وی باشد، به‌جز قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ که به‌طور کلی (مسئولیت کارمندان دولت) را در ماده ۱۱ خود پذیرفته وجود نداشت، اما پس از انقلاب اسلامی با تصویب قانون اساسی، با توجه به منابع فقهی و به‌دنبال آن تصویب قانون مجازات اسلامی در مواردی مسئولیت مدنی قضات پیش‌بینی شده است. بدین صورت مصونیت مطلق قضات تا حدود قابل‌توجهی محدود شده که در ادامه این گفتار منابع قانونی که به‌طور مستقیم بر مسئولیت قاضی اشاره دارد را مورد توجه قرار خواهیم داد.

۱-۲-۱. قانون اساسی

در اصل بیست دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جان، مال، آبرو، آزادی، شخصیت و حیثیت افراد دارای احترام خاصی بوده

۱-۳. نظرات فقها

در کتب فقهی آداب و شرایط قاضی بیشتر بیان می‌شود تا مسئله جبران خسارت وارده از اشتباه وی، اما برخی از آثار فقها که به این مسئله به‌صورت مختصر پرداخته‌اند، بیان خواهد شد.

۱. هر گاه شخصی در اجرای حد و یا تعزیر بمیرد، پرداخت دیه بر او نخواهد بود، البته برخی نظر بر این دارند که اگر مجری حکم به استناد امر قاضی که به خطا و اشتباه صادر شده کسی را بیشتر از مقدار لازم تازیانه بزند و آن شخص بمیرد اگر مجری حکم از خطا و اشتباه بودن رأی و دستور قاضی اطلاع نداشته باشد، در این صورت نصف دیه مقتول را از بیت‌المال می‌دهند، ولی چنانچه قاضی عمداً به بیش از مقدار لازم دستور زدن داده باشد قاضی ضامن نصف دیه مقتول است (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۱۰).

۲. اگر اشتباه قاضی در صدور حکمی معلوم گردد، در مرحله اول حکم او نقض می‌شود. در این مورد ما دو صورت داریم یا حکم اجرا نشده یا اجرا شده است. اگر حکم اجرا نشده که روشن است و اشکالی وجود ندارد، اما اگر حکم اجرا شده باشد و حکم هم مربوط

پرداخت، درحالی که متأسفانه این خلأ همچنان احساس می‌شود. اگرچه در برخی از مواد قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ برای تخلفات مقامات قضایی مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده بود منقح گردیدند و حکم ماده ۸۲۰ قانون جدید اعمال می‌شود که به شرح ذیل است: «هریک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با وجود اینکه رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قوانین از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند، یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند، دفعه نخست به انفصال درجه شش از شغل قضایی و در صورت تکرار به انفصال درجه چهار از شغل قضایی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد» (آسپچی، ۱۳۹۴، ص ۳۰-۳۱).

۲-۱-۳. قانون مسئولیت مدنی

پیش از برپایی جمهوری اسلامی ایران تنها متن قانونی که مسئولیت قضات به‌سختی از آن قابل استنباط بود ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ بود، ولیکن این ماده نیز به گونه‌ای تنظیم شده بود که با توجه به قسمت اخیر آن، قابلیت استناد به آن ماده را برای اثبات مسئولیت مدنی قاضی و یا اثبات مسئولیت مدنی، دولت را در صورت نقص دستگاه اداری مشکل می‌ساخت و به همین دلیل تا آنجا که تاریخ قضایی گواهی می‌دهد هیچ‌گاه از این طریق پرونده‌ای ضد قضات گشوده نشد و حتی یک مورد هم به استناد این ماده، حکمی مبنی بر مسئولیت مدنی قاضی در برابر خسارات وارده بر اشخاص داده نشد. درهرحال این ماده مقرر می‌دارد: «کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند، ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است، ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود» (افشاری‌پور، ۱۳۹۸، ص ۲۴).

و بر همین اساس، مسئولیت مدنی دولت و افرادی که تقصیر و قصور آنها منجر به ورود ضرر و خسارت به دیگری گردد مورد توجه جدی قانون‌گذار قرار گرفته است. به همین منظور در اصل ۱۷۱ مقرر داشته: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به‌وسیله دولت جبران می‌شود و درهرحال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد». بر اساس این اصل، قانونگذار در صورت تقصیر، قاضی را در برابر زیان‌دیده مسئول شناخته، ولی در اثر اشتباه و خطا، مسئولیت مدنی دولت را مفروض دانسته؛ زیرا احتمال خطا و اشتباه در امر خطیر قضاوت، تا حد زیادی قابل پیش‌بینی است و چنانچه قضات در برابر خطاهای شغلی خویش مسئول شناخته شوند بر استقلال قضایی و قاطعیت آنها در تصمیم‌گیری مناسب و به‌موقع، خدشه وارد می‌شود که این تزلزل در اراده قاضی، به سود هیچ‌کس نخواهد بود، همچنین از علاقه و اشتیاق داوطلبان متقاضی امر قضا شدیداً کاسته خواهد شد. هرچند که این اصل در مقام تبیین مسئولیت مدنی قاضی در حد انتظار صریح نبوده، اما با این وجود بر اصل مصونیت قضایی مطلق، خدشه وارد نموده و برای اولین بار در تاریخ قانون‌گذاری ایران، برای قضات در مواردی که (مقصر) باشند، در برابر اشخاص زیان‌دیده، مسئولیت مدنی پیش‌بینی کرده و امکان مطالبه ضرر و زیان وارده و اقامه دعوا به طرفیت قاضی مقصر را فراهم ساخته است. با وجود این، نیاز بود که در پرتوی این اصل، قوانین و مقررات جزئی‌تر در خصوص پرداخت خسارات وارده به زیان‌دیده در اثر تقصیر و اشتباه قاضی تنظیم و تدوین گردد که در ادامه بیان می‌نماییم.

۲-۱-۲. قانون مجازات اسلامی

از دیگر پیش‌بینی‌هایی که در جهت مسئولیت مدنی قضات صورت گرفت، ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بود، اما چون تکراری از اصل ۱۷۱ قانون اساسی بود با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید در سال ۱۳۹۲ این ماده نسخ شد؛ زیرا در این ماده نه‌تنها نکته جدیدی به چشم نمی‌خورد، بلکه نگارش آن نیز قابل ایراد بود. اما از سوی دیگر، لازم بود قوانین و مقرراتی خاص در این حوزه وضع گردد تا بتوان به نحو کامل به جبران خسارات حاصله

۲-۲. مبانی حقوقی مسئولیت مدنی قاضی

ضرورت امر قضاوت، اقتضا می‌کند تا قواعد عمومی مسئولیت مدنی حاکم بر اعمال قضات، آن‌گونه که بر رفتار و کردار دیگران حکومت دارد، به‌گونه‌ای باشد که قلمرو قضاوت محدود و راه آن، با دشواری غیرمتعارف روبه‌رو نگردد؛ زیرا اگر بنا شود که دادرسی از لحاظ مدنی مسئول تمام اشتباهاتی باشد که در جریان دادرسی رخ می‌دهد، دیگر کسی به این کار پرخطر دست نمی‌زند، در طبیعت دادرسی احتمال اشتباه وجود دارد. گاه قرائن و ظواهر هر انسان متعارف و آگاهی را می‌فریبد، تکلیف دادرسی در این نیست که به واقع برسد، در این امر خلاصه می‌شود که در راه رسیدن به واقع کوشش کند و از همه دانش و تجربه‌ای که اندوخته است در این راه استفاده کند، پس نرسیدن به واقع را نمی‌توان از او خرده گرفت. وانگهی استقلال رأی قضات زمانی تأمین می‌شود که آنان در برابر دعاوی ناشی از این‌گونه اشتباه‌های احترازناپذیر مصونیت داشته باشند، به همین جهت نیز در این زمینه اتفاق نظر وجود دارد که اشتباه ناشی از اصابت به واقع، نباید منجر به مسئولیت مدنی او شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۸۹). به‌همین منظور در نظام حقوقی ایران، به هر دو اصل، یعنی «مصونیت نسبی» و «مسئولیت قاضی» توجه شده که در رابطه با مصونیت قاضی اصل ۱۶۴ قانون اساسی مقرر می‌نماید: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل در آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخطی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد». وجود این اصل نشان‌دهنده نگرانی قانونگذار از خدشه‌دار شدن استقلال قضات توسط مقامات ذی‌نفوذ می‌باشد و خواهان این است که قضات بتوانند به دور از هرگونه نگرانی رأی موردنظر خود را صادر نمایند. از طرف دیگر در خصوص مسئولیت قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی ممکن است گفته شود مبتنی بر نظریه (تقصیر) است؛ زیرا این اصل، شخص قاضی را در صورتی مسئول جبران خسارت ناشی از عملکرد قضایی می‌داند که در تشخیص موضوع مورد اختلاف یا حکم قضیه، یا در تطبیق حکم قانون یا مورد خاص، مرتکب «تقصیر یا اشتباه» شده باشد، وگرنه مسئول نبوده و ضمانتی متوجه او نخواهد بود. با دقت در این اصل می‌توان گفت که دو کلمه «تقصیر و اشتباه» به‌کاررفته در این اصل، نه تنها با هم مترادف نمی‌باشند، بلکه تفاوت اساسی با یکدیگر دارند. ممکن است گفته شود با توجه به اصل ۱۷۱

قانون اساسی در حقوق ما مبنای مسئولیت قاضی نظریه تقصیر می‌باشد و قاضی در صورتی شخصاً مسئول جبران ضرر و زیان‌دیده‌هاست که مرتکب تقصیری شده باشد و در فرضی که قاضی تقصیر نکرده و زیان ناشی از قصور باشد، جبران خسارت با توجه به اصل ۱۷۱ قانون اساسی به عهده دولت می‌باشد، اما به نظر می‌رسد جبران خسارت در این حالت، نه از باب مسئولیت دولت، بلکه به‌سبب همان مسئول بودن قاضی است، اما قانونگذار با در نظر داشتن مصالحی از جمله عدم تمایل افراد به انجام کار پرخطر قضاوت در صورت مسئولیت بدون تقصیر آنها و همچنین حفظ مصونیت نسبی قضات که خود بازمانده اندیشه مصونیت مطلق آنها در گذشته می‌باشد، برای عنوان امتیازی برای شاغلان امر قضا، پرداخت خسارت ناشی از اشتباهاتی که مقرون به تقصیر نیستند را بر عهده دولت گذاشته است. براین اساس باید گفت که لزوم اثبات تقصیر در پرداخت خسارت توسط خود قاضی یا فقدان تقصیر برای پرداخت خسارت توسط دولت، از شرایط مربوط به تعیین (مسئول پرداخت) و چگونگی پرداخت خسارت می‌باشد و ارتباطی به مبنای مسئولیت ندارد؛ زیرا در غیر این صورت لازم می‌بود سایر شرایط تحقق مسئولیت برای دولت نیز وجود داشته باشد، درحالی که در ما نحن فیه چنین نیست. بنابراین به نظر می‌رسد بتوان مبنای مسئولیت در هر دو فرض را باتوجه به عمومات حقوق مسئولیت مدنی، قاعده (نفی ضرر) دانست (آسفیچی، ۱۳۹۴، ص ۲۷).

۳. مصونیت قاضی در نظام حقوقی کامن لا و سیر تحولی آن به سمت مسئولیت مدنی

در سیستم حقوقی کامن لا، قاضی از اصل مصونیت بهره می‌برد، بر این مبنا که اختیار قاضی ناشی از اختیار پادشاه است و روا نیست شخصی را که به‌عنوان قاضی، مجری عدالت در جامعه است در مقابل احکام صادرشده از سوی خود مسئول دانست (صالحی، ۱۳۹۲، ص ۹۱). در حقوق کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا چون انگلیس و آمریکا، طرح دعوا مدنی علیه قاضی که به‌موجب قوانین یا رویه قضایی به رسمیت شناخته شده ممنوع است (هاسمنیجر، ۱۹۹۰، ص ۵۷). با این توضیح که قاضی دولتی به نوع وظیفه‌ای که انجام می‌دهد باید از مصونیت تعقیب برخوردار باشد، حتی اگر در رفتار خود سوءنیت هم داشته باشد تأثیری در مسئولیت او ندارد

اعمال زیانبار خارج از قلمرو قضایی‌شان را نیز شامل می‌شود (تامسون، ۱۹۵۸، ص ۲۵۰).

۳-۲. مصونیت قاضی در ایالات متحده امریکا

در حقوق امریکا نیز قضات را نمی‌توان از لحاظ مدنی ضامن و مسئول دانست و دادرسان محاکم در قبال هرگونه ادعای مسئولیت نادرست خود از مصونیت قضایی برخوردارند. این مصونیت قضایی در امریکا برگرفته از حقوق انگلیس به حد افراطی رعایت می‌شد، به گونه‌ای که در تصمیمات قضایی، حتی اگر قاضی سوءنیت داشته باشد و یا از روی غرض‌ورزی تصمیم قضایی را اتخاذ کرده باشد ضد او نمی‌توان طرح دعوا کرد، اما در سال ۱۸۷۱ کنگره قانونی راجع به حقوق مدنی، قانون ۱۹۸۳ را تصویب کرد که «هر کس یکی از اتباع ایالات متحده و یا شخصی را که در حوزه صلاحیت سرزمین آن واقع است، از حقوق و امتیازات و مصونیت‌های مقرر در قانون اساسی و قوانین عادی محروم و یا موجبات آن را فراهم سازد که در برابر شخص زیان‌دیده در دعوی که به خواسته جبران خسارت وارده اقامه شود، ضامن و مسئول خواهد بود.» با تقیین این ماده بسیاری از اندیشمندان و حقوق‌دانان به این عقیده رسیدند که مصونیت مطلق قضات برداشته شده و در دعوی بسیاری این گونه بود که به استناد همین ماده قاضی را مسئول می‌دانستند (جلیلوند، ۱۳۷۳، ص ۲۴۰). اما همان گونه که در مورد انگلستان گفتیم در مورد ایالات متحده نیز این مسائل در مورد مفهوم صلاحیت با همان تعابیر پیش می‌آید، با این تفاوت که در خصوص ایالات متحده مسئله تا حدی جدی‌تر است؛ چراکه با توجه به ایالتی بودن این کشور این مسئله پیش می‌آید که منظور از صلاحیت می‌تواند صلاحیت ذاتی و محلی هر دو مهم باشد، البته اتفاق افتادن چنین مسئله‌ای کمی دور از ذهن می‌نماید، اما بعید نیست شخصی که تابع ایالتی دیگر است در ایالت دیگر محاکمه شود یا جرمی در ایالتی اتفاق بیفتد، اما اشتباهاً یا تعمداً در ایالت دیگر رسیدگی شود و علت شدید بودن ضرر در این موارد به این دلیل است که قوانین ایالتی در این کشور با یکدیگر متفاوت است و ممکن است فردی که در ایالتی غیر از ایالت خود یا به خاطر جرمی که در این ایالت رخ نداده، محاکمه شود، در صورتی که در دادگاه ایالت صالح برای موضوعات آن موارد جرم نباشد یا مجازاتی کمتر داشته باشد. بنابراین قاعده کلی در سیستم حقوقی آمریکا آن

(جلیلوند، ۱۳۷۳، ص ۲۲۰). اهمیت کنکاش بر مصونیت قاضی در نظام حقوقی کامن لا به علت تفاوت در ساختارهای سیاسی برخی از کشورهای پیرو این نظام است که در انگلستان برگرفته از نظام پادشاهی سیستم کامن لا، مصونیت مطلق قاضی را اجرایی می‌داند، درحالی که ایالات متحده امریکا، نظام جمهوری فدرالی این سیستم حقوقی می‌باشد که با اخذ الگوهای انگلیسی و تطبیق آن با نظام فدرالی خود تحولی را رقم زده که موجب تغییر با سیستم انگلستان شده که به این مهم می‌پردازیم (سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

۳-۱. مصونیت مطلق قاضی دادگاه‌های عالی در نظام حقوقی انگلیس

در نظام حقوقی انگلستان مصونیت قضات یک اصل شناخته شده می‌باشد. به نقل از کلی یکی از مستشاران انگلیسی «این حکم قانونی صرفاً به جهت حمایت از مصلحت عامه مد نظر قرار گرفته تا قضات بتوانند در تصمیم‌گیری‌هایشان مستقل عمل کنند و هیچ‌گونه ترسی از عواقب تصمیم اتخاذشده خود نداشته باشند» (جنینگ، ۱۹۵۲، ص ۴). پیش از سال ۱۶۱۳ در انگلستان مرسوم بوده که اگر قاضی در چارچوب اختیارات خود انجام وظیفه کند، نمی‌توان به‌خاطر عملکردش علیه او اقامه دعوا کرد، حتی جهل و ارتکاب خطای شغلی و حسادت یا نفرت یا اعمال غرض و عدم رعایت جوانب عدالت توسط قاضی موجب مسئولیت مدنی وی نمی‌شود. قضات دادگاه‌های عالی با توجه به صلاحیت عام دارای مصونیت مطلق هستند. پس چنانچه با حسن نیت عمل کنند، حتی اگر خارج از صلاحیتشان باشد، مسئولیت مدنی ندارند. اما قضات دادگاه‌های تالی برای اقدامات خارج از صلاحیت خود و یا امور داخل در صلاحیت با این قید که سوءنیت بدون عذر موجه داشته باشند، دارای مسئولیت مدنی هستند (فلدتوزن، ۱۹۸۰، ص ۹۲). هرچند که مصونیت قضایی در انگلستان اصلی مطلق است، ولی تمام قضات از این اصل بهره نمی‌برند. بدین معنا که قضات محاکم عالی از مصونیت مطلق برخوردارند؛ یعنی از هرگونه مسئولیت در قبال اشتباه و یا تقصیری که اتخاذ کرده‌اند و منجر به ورود ضرر به دیگری شده، مصون هستند (هالدورن، ۱۹۳۲، ص ۸۹)؛ زیرا این فرض وجود دارد که در حدود صلاحیت خود عمل کرده‌اند و تجاوز از صلاحیت در مورد آنان معنا ندارد و این مصونیت تا جایی پیش می‌رود که حتی

مدنی قاضی صادر نمودند. در پرونده یادشده مادر (linda sparkman) با مراجعه به قاضی (stump) تقاضا نموده بود که دادگاه با عمل جراحی دخترش جهت عقیم نمودن وی موافقت نماید، قاضی استمپ ضمن موافقت با این خواسته اعلام نمود که بیمارستان عمل کننده نیز از تعقیب قضایی احتمالی معاف باشد. در نتیجه عمل جراحی انجام و دختر جوان از ماهیت آن تا دو سال دیگر مطلع نگردد، و وقتی متوجه قضیه شد که او و همسرش به قصد بچه دار شدن به پزشک مراجعه نموده بودند. با اطلاع از وضعیت جسمانی پیش آمده لیندا طی دادخواست تقدیمی علیه قاضی استمپ خواستار محکومیت وی به پرداخت ضرر و زیان وارده گردید. دادگاه با استناد به اصل مصونیت قضات، دعوای لیندا را مردود اعلام نمود، اما مفاد رأی با آرای سابق الصدور مشابه متفاوت بود. در این رأی آمده بود که قاضی استمپ خارج از صلاحیت خود عمل ننموده و تصمیم وی در محدوده اعمال قضایی صورت گرفته است. با صدور این رأی محافل حقوقی آمریکا به این برداشت رسیدند که قاضی تنها در مقابل تصمیمات قضایی از مصونیت برخوردار می باشد و در مقابل، تصمیمات غیرقضایی خود همانند سایر شهروندان مسئول است (لواسور، ۱۹۹۹، ص ۵۵۵) ملاحظه می شود امروزه در آمریکا قضات در مقابل تصمیمات غیرقضایی خود مسئول شناخته می شوند، حتی اخیراً به این فکر افتاده اند تا مشکلات اینچنینی را حل نمایند که بیمه کردن قضات راه حلی بود که ضمن پایان دادن به نگرانی های قضات و تقویت استقلال آنها، شهروندان زیان دیده از تصمیمات نادرست قضایی از پرداخت خسارت متحمل مطمئن می ساخت. هم اکنون قضات آن کشور در قبال پرداخت حق بیمه مشخصی که در بیشتر ایالات توسط دولت فدرال تأمین می شود، در قبال مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات شغلی خود تا سقف دو میلیون دلار بیمه می باشند (داورنیا، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴).

نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان می دهد:

۱. قضات به واسطه خطیر و حساس بودن وظیفه خود باید نهایت سعی و تلاش خود را در رسیدن به واقع صورت دهند، اما اگر اشتباه یا تقصیری در تصمیم آنان وجود داشته باشد، ضرر مادی یا معنوی وارد شده بر زیان دیده می بایست جبران شود. در روایات و

است که زمانی قاضی دارای سمت و صلاحیت قضایی باشد. از نظر مدنی تحت هیچ شرایطی مسئول اعمالی که در اجرای وظایف قضایی انجام داده نخواهد بود. چنانچه قاضی در اجرای وظایف خود در مقام صدور حکم اشتباه کند، صرف اشتباه موجب اقامه دعوا ضد او نمی شود و قاضی نباید به خاطر حکمی که صادر کرده جریمه شود یا ملزم به پرداخت انواع دیگر خسارت شود. البته شرط برخورداری از مصونیت قضایی و عدم توجه مسئولیت مدنی آن است که اعمال قضایی از شخصی صادر شود که به طور رسمی شغل قضایی دارد و در حدود صلاحیت خویش در موضوع پرونده رسیدگی نماید، ولی اگر اصل رسیدگی و مداخله در آن به خارج از صلاحیت قضایی او بوده باشد در هر حال مسئول خواهد بود (روچستر، ۱۹۸۵، ص ۴۸) نکته جالب توجه آن است که دولت هیچ گونه مسئولیتی را در برابر خسارات وارده به اشخاص در اثر خطا یا تقصیر قضات به استناد اصل «اعمال حاکمیت» به عهده نمی گیرد و خود را از تبعات این گونه تصمیمات رهایی بخشیده است.

۳-۲-۱. سیر تحول مصونیت به مسئولیت مدنی در حقوق آمریکا اصل مصونیت قضات در آمریکا از قدمت دیرینه ای برخوردار است، درحقیقت از حقوق کامن لا به حقوق آمریکا راه پیدا کرد. این مصونیت در بند ۱ از اصل ۳ قانون اساسی پیش بینی شد که اشعار می دارد: «قضات دادگاه عالی، همانند قضات دادگاه های تالی، مادام که رفتار شایسته خود را داشته باشند، مشاغل خود را حفظ نموده و در مواعد مقرر پاداش خدمات خود را دریافت خواهند نمود، به نحوی که در طول خدمت از آن کاسته نخواهد شد.» این مصونیت طی آرای متعدد صادره از دادگاه عالی مورد تأیید قرار گرفت دادگاه مذکور از جمله در پرونده ای موسوم به (sparkman) اعتبار اصل یادشده را یادآوری و به استناد آن خواسته متقاضی را که خواهان محکومیت قاضی به جبران خسارت وارده بود مردود اعلام نمود، در این حکم مستندات رأی به نحوی بیان شده بود که از آن تاریخ دادگاه ها از مطلق تلقی نمودن اصل مصونیت قضات فاصله گرفته، حتی با توجه به اصل برابری خصوصاً در کشورهای مسیحی این خواسته با استناد به آیه ای از انجیل متی با این عبارت «همان گونه که در حق دیگران قضاوت می کنید، مورد قضاوت قرار خواهید گرفت.» بحث مسئولیت قاضی شدت گرفت و در مواردی حکم بر مسئولیت

منابع.....

- نهج البلاغه (۱۳۸۶). ترجمه حسین انصاریان. تهران: پیام آزادی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۹ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۵۳). حقوق اداری ایران. چ چهاردهم. تهران: طوس.
- اسفیچی، رقیه (۱۳۹۴). خسارت ناشی از اشتباه و تقصیر قاضی. پایان نامه کارشناسی ارشد. کرمان: دانشگاه باهنر.
- افشاری پور، اوریا (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی مسئولیت قاضی در حقوق ایران و آمریکا. پایان نامه کارشناسی ارشد. کرمان: دانشگاه باهنر.
- انصاری، مرتضی (۱۳۸۲ق). المکاسب. قم: مطبوعات دینی.
- ابن اثیر، محمد بن علی (۱۳۶۷ق). النهاية فی غریب الحديث و الاثر. قم: اسماعیلیان.
- بجنوردی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۱ق). القواعد الفقهیه. قم: الهادی.
- بروجردی، سیدحسین (۱۳۹۲). منابع فقه شیعه. تهران: فرهنگ سبز.
- جلیوند، یحیی (۱۳۷۳). مسئولیت مدنی قضات و دولت. تهران: یلدا.
- حلی، حسن بن یوسف مطهر (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام. چاپ سنگی.
- داورنیا، رحیم (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا و ایران. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۷۴، ۱۳۵-۱۴۸.
- رستمی، ولی و بهادری جهرمی، علی (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی دولت. پژوهش نامه حقوق اسلامی، ۲۵ (۱۰)، ۱۰۵-۶۹.
- رضاوندی، بهنام و نجفی، عباس (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی قاضی. تعالی حقوق، ۲۱ (۳)، ۱۳۹-۱۶۲.
- سلطانی نژاد، هدایت الله (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران و فقه امامیه و سیستم های حقوقی. مفید، ۱۱، ۱۲۰-۱۴۸.
- صالحی، محمد، (۱۳۹۲). نگرش بر مسئولیت مدنی تصمیم گیرندگان قضایی، تهران: میزان.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۴ق). العروة الوثقی. قم: مکتبه الداوری.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۰ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. چ سوم. بیروت: دارالکتاب العربی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). الزام های خارج از قرارداد: ضمان قهری. چ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق). الکافی. قم: دارالحديث.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۵). استفتائات مسائل ضمان. قم: دفتر آیت الله منتظری.
- محمدی، ابوالحسن، (۱۳۹۹). قواعد فقه، چاپ ۱۶، تهران: نشر میزان
- Feldthusen, Bruce (1980). judicial immunity: in search of an appropriate Limiting formula, 29 U.N.B. Law journal, 73, 73-110.
- Husmaniger, ch (1990), Civil liability of arbitrators comparative analysis and proposal for reforms journal of inter national arbitra, vol 1.
- Holdsworth, William Searle (1932). The constitutional position of the judges, 48 LQR 25, 76-95.
- Jennigs, Ivor (1952). The law and the constitution. London: University of London Press.
- Levasseur, Alain Rappor (1999). Etats unis in Travaux de Association Henri. LGD. J. Paris.
- Rochester, n(1985) American juris Prudence the lawyer cooperative Publishing, US, 30, 40-86.
- Thompson, Darren (1958). Judicial Immunity and the protection of justices, the modern law review, 21, 250-531.

قواعد فقهی همچون «لاضرر»، «تلاف» و «علی الید» و همچنین نظرات فقها در صورت تقصیر قضات در اصدار حکم، مسئول جبران شخص قاضی و اگر اشتباه خطایی باشد، دولت اسلامی متحمل جبران خسارت خواهد بود.

۲. در حقوق ایران نیز در تصویب اولین قانون انقلاب که همان قانون اساسی است، این اصل اشاره شده که هر کس در هر جایگاهی در خصوص حقوق مردم باید محتاط باشد. مقنن علاوه بر پیش بینی مصونیت نسبی قضات در اصل ۱۶۴ قانون اساسی برای پاسداری از استقلال آنان، ضرورت جبران خسارت وارده بر کسی که حقی ضایع گشته را نیز تأکید می کند و مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی نمی توان قاضی را به صرف تعدی و تفریط مقصر دانست و برای وی قائل به مسئولیت مدنی شد، بلکه ملاک تقصیر عمدی در داشتن سمت قضایی می باشد.

۳. با مذاقه تطبیقی نظام حقوقی کامن لا روشن گردید، به جهت اصل مصونیت در حد بسیار اندکی مسئولیت قضات پذیرفته شده است؛ زیرا کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا از اصل مصونیت مطلق بهره می برند، بر این مبنا که اختیار قاضی ناشی از اختیار پادشاه است و روا نیست شخصی را که مجری عدالت در جامعه است، در مقابل احکام صادره از سوی خود حتی اگر سوءنیت و تقصیر داشته باشد، مسئول دانست. اما پیش از ذکر واکنش های حقوق انگلستان و آمریکا به اشتباه قاضی می باست بیان کرد که دیدگاه مصونیت مطلق قاضی بر مبنای اعتقاد به استقلال او در نظام کامن لا نمی تواند توجیه منطقی باشد؛ زیرا در صورت اشتباه و یا تقصیر قاضی، حقوق اشخاص ضایع و فساد در سیستم قضایی چیره خواهد شد. در هر حال حتی اگر به استقلال قاضی نیز خدشه ای وارد شود باید حقوق از دست رفته زیان دیده جبران شود. در سال های اخیر نظام فدرالی آمریکا با راه اندازی سیستم های بیمه، راهی برای جبران خسارت های ناشی از تخلف قضات ایجاد کرد تا ضرر مادی و معنوی زیان دیده جبران گردد. در نتیجه می توان گفت: بهترین واکنش نگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران به این مسئله است که اگر حکم به صورت اشتباهی از قاضی صادر شده باشد دولت مسئول بوده و اگر قاضی در صدور حکم مرتکب تقصیر شده، شخص قاضی ضامن خواهد بود.